

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

۲۵ آگست ۲۰۰۹

هموطن و شاعر گرانقدر، جناب مصلح سلجوقی!
یک دنیا امتنان از پیام دوستانه شما و از شعری نغز که زیر عنوان "آزادی" فرستاده اید. خیلی خوشنودیم، که در محفل برگزاری نودمین سالگرد استقلال وطن عزیز و جشن یکسالگی پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" شرکت کردید و خاصاً که چند ساعتی در فضای دوستانه فرهنگی – سیاسی، بر شما و دوستان شما خوش گذشته است. خشنودی دیگر ما درینست، که ورود شما را به پورتال خیر مقدم میگوئیم. آرزو مندیم، که پیام دوستانه و تحفه منظوم شما، طلیعه همکاری های دوامدار شما با پورتال باشد.
موفق و سربلند باشید. با محبت فراوان

اداره پورتال AA-AA

مصلح سلجوقی
همبورگ، المان
۲۵ آگست ۲۰۰۹

جناب محترم داکتر صاحب روستایی سلام. امیدوارم به سلامت باشید. ابتداءً عرض ادب و احترام به حضور گرانقدرتان دارم و در ثانی جهانی سپاس از دعوت و میزبانی صمیمانه تان؛ محفل بسیار عالی و گرمی بود، من و همراهانم به راستی از آن آموختیم و لذت بردیم. بد طولای شما و همکاران تان را در این راستا پربارتر آرزو مندیم. ان شاء الله در آینده از دانش تان در محافل هامبورگ استفاده خواهیم کرد. موفق و معید باشید.

مصلح سلجوقی

در ضمن شعری را که در محفل فرصت دکلمه آن پیدا نشد، خدمت فرستادم تا در صورت لزوم در پورتال چاپ شود.



مسئولین گرانقدر نشریهٔ وزین پورتال، سلام.
امیدوارم به سلامت باشید. شعری را زیر عنوان "آزادی" خدمت تان فرستادم تا در صورت لزوم در سایت وزین پورتال جای گزین شود. ضمناً قطعه عکسی نیز خدمت فرستادم. موفق و معید باشید.
مصلح سلجوقی

آزادی

این شنیدم بارها از نام تو
ارزش ما بود بی شک و گمان
رقتی و از تو نشانی هم نماند
بی تو هرگز می ندیدم روز خوش
سال ها اندر نشیب و بر فراز
نه به شب دیدیم و نی در طول روز
نام آزادی دگر بیگانه شد

ای وطندارِ غیورم این بدان

روز استقلال ما رفت از میان

یاد او همواره در زاد من است
بر لبم صد ها غزل نشگفته ماند
هی بجوشد نام او در سر مرا
این حدیث روز و شب های منست
بر لب ما نقش لبخندی نماند
داده اند نام وطن برباد هان

ای وطندارِ غیورم این بدان

روز استقلال ما رفت از میان

این منم آواره در دنیای سرد
این منم در چار چوب زندگی
هم جدا ماندم ز آغوش وطن
هر طرف آواره و بیچاره شد
سرزمین آریا بفروختند
هیچ جا این گونه بربادی نشد

ای وطندارِ غیورم این بدان

روز استقلال ما رفت از میان

در دیار ما به جـسز یادش نماند
ز احمد و محمود و میرویس و امان
جمله در آب فنا شستند و رفت
ناکسان امروز با چنگال خویش
هر یکی از بهر نفع خویش برد
حق ما را این چنین دادند ما

ای وطندارِ غیورم این بدان

روز استقلال ما رفت از میان

مصلح سلجوقی، ۱۷،۰۸،۲۰۰۹ همبورگ